

رویکردهای جدید در

مطالعات امنیتی

(جلد اول)

گردآورندگان:

ریچارد شولتز

روی گادسون

جورج کوئیستر

مترجم: سید محمدعلی متقی نژاد



Shultz, Richard

شولتز، ریچارد، ۱۹۴۷

رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی / گردآورندگان ریچارد شولتز، روی گادسون، جورج کوئیستر / مترجم سید محمدعلی متقی‌نژاد. -- تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۳۸۶ ص: -- (پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ ۷۹. امنیت؛ ۳۱)

ISBN 964-6946-82-8: (ج اول): ۱۲۰,۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیا.

Security Studies In 21 's Century

عنوان اصلی:

۱. امنیت بین‌المللی -- راهنمای آموزشی. -- ۲. الف - متقی‌نژاد، سید محمدعلی، مترجم -- ب. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳۲۷/۱۷۲۰۷۰۷۳

۹ ر ۹ ش ۳۴/ JZ

۱۳۸۵

م ۸۵ - ۳۵۰۵۷

کتابخانه ملی ایران

رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی (جلد اول)

گردآورندگان: ریچارد شولتز، روی گادسون، جورج کوئیستر

مترجم: سید محمدعلی متقی‌نژاد

ناشر: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده مطالعات راهبردی

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: مجاب

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۶۹۴۶-۸۲-۸

ISBN 964-6946-82-8

تهران خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر شرقی، شماره ۷

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

دورنگار: ۸۸ ۸۹ ۶۵۶۱

تلفن: ۸۸ ۹۱ ۲۸۳۰

روابط عمومی: ۸۸ ۸۰ ۲۴۷۷

تلفکس انتشارات: ۸۸ ۸۰ ۲۴۷۶

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۹	پیشگفتار
۳۱	فصل اول: نگاهی به ارزش‌ها، اخلاق و امنیت ملی
۷۷	فصل دوم: مقدمه‌ای بر امنیت بین‌المللی
۱۳۵	فصل سوم: امنیت فرادولتی
۲۱۳	فصل چهارم: استفاده‌های غیرستی از نیروی نظامی
۲۷۱	فصل پنجم: کاربرد نیروی نظامی در آینده
۳۲۷	فصل ششم: اقتصاد و امنیت ملی: روند تکاملی

سخن ناشر

امنیت از جمله واژگان مهمی به شمار می‌آید که علی‌رغم کاربرد آن، محتوا و مدلول فلسفی - عینی‌اش مبهم و بسیار متعدد و متنوع می‌باشد. به همین دلیل است که از آن به واژه‌ای مبهم و توسعه نیافته یاد می‌نمایند. پژوهشکده مطالعات راهبردی، با تعریف نمودن «تقویت متون مطالعات امنیت ملی» به مثابه یکی از اهداف اصلی پژوهشکده از ابتدای تاسیس تاکنون، توانسته است آثار معتبر و قابل توجهی را در این زمینه به زبان فارسی تهیه و منتشر سازد؛ به گونه‌ای که امروزه دیگر نمی‌توان مطالعات امنیتی در جمهوری اسلامی ایران را توسعه نیافته ارزیابی کرد. در همین زمینه و با هدف به روز کردن مطالعات امنیت پژوهی، پژوهشکده مطالعات راهبردی اقدام به انتخاب و ترجمه آثاری نموده است که وجه بارز آنها «اهتمام نظری به مسائل نوین امنیتی» در عصر حاضر می‌باشد. مترجم محترم ضمن رعایت امانت در ترجمه و بدون اینکه خدشه‌ای در معنی متن وارد شود برخی جملاتی را که به ویژه در بخش مربوط به گراهام فولر و روی‌گادسون در صفحه ۱۶۰ بدون دلیل و مدرک به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده است حذف کرده است. این محدود جملات هیچ خللی در معنای متن وارد نکرده است. کتاب «رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی» از این حیث، اثری کم نظیر ارزیابی می‌گردد که مرجع بسیاری از متون و مقالات است؛ و به همین دلیل ترجمه و انتشار آن در دستور کار پژوهشکده قرار گرفته است. امید آن که در آینده شاهد نقش‌آفرینی هر چه بیشتر نویسندگان داخلی در حوزه مطالعات امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی باشیم.

معاونت پژوهشی

پیشگفتار

ریچارد اچ. شولتز^۱، روی گادسون^۲، جورج اچ. کوئستر^۳

هدف از تدوین کتاب حاضر عرضه منبعی نمونه به استادان و برنامه‌ریزان آموزشی مطالعات امنیتی بود. به علت برخی کاستی‌ها در منابع موجود مطالعاتی در زمینه امنیت، لازم بود با تدوین این کتاب، تحولات چشمگیر و ایده‌های جدید به وجود آمده در محیط بین‌المللی معاصر تشریح شود. به نظر نویسندگان، گستره تحولات رخ داده از زمان چاپ اول کتاب با عنوان «مطالعات امنیتی در دهه ۱۹۹۰» آن قدر چشمگیر است که ضرورت تدوین کتاب جدیدی در این زمینه را بیان دارد. کتاب، دربردارنده فصل‌هایی از چاپ اول که پرتو تحولات مذکور بازنگری شده و موضوعات و دیدگاه‌های جدیدی است که به آن افزوده شده است؛ چرا که در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ به هنگام عرضه چاپ اول کتاب، پیش‌بینی این تحولات مشکل بود.

افزون بر این، در اثر حاضر شش مقاله آموزشی درباره «امنیت منطقه‌ای در کشورهای جهان سوم»، «امنیت فراحکومتی»، «سیاست‌گذاری امنیت ملی»، «کاربرد قدرت نظامی در آینده»، «استفاده‌های غیرسستی از نیروی نظامی» و «اقتصاد ملی و امنیت» افزوده شده است.

این کتاب در درجه اول برای تدریس در دوره کارشناسی در نظر گرفته شده است. در عین حال مطالب به گونه‌ای بیان شده که قابلیت انطباق با اهداف دوره‌های پایین‌تر را نیز دارد. در فصل مقدماتی کتاب تعریفی از امنیت مطرح می‌شود و به این مطلب می‌پردازد که چرا هنوز موضوع امنیت از اهمیت برخوردار است. سپس مرور مختصری بر تاریخچه مطالعات امنیتی در

1. Richard H. Shultz

2. Roy Godson

3. George H. Quester

ایالات متحده آمریکا می‌شود. در این مرور برخی از ضعف‌هایی که در برنامه اولیه مطالعات امنیتی وجود داشته، تشریح می‌شود. همچنین چکیده‌ای از موضوع‌های تازه‌ای که باید در مطالعات جدید امنیتی لحاظ شود، ذکر می‌گردد. سپس گفته خواهد شد که استادان و برنامه‌ریزان آموزشی با چه مسائل و مشکلاتی باید سروکله بزنند و این که چگونه این کتاب می‌تواند تحت عنوان یک کتاب درسی و راهنما در برنامه‌های آموزشی مربوط به مطالعات امنیتی در دانشگاه‌های آمریکا و خارج از آن، استفاده گردد.

منظور از مطالعات امنیتی چیست؟

اکثر دانش‌پژوهان ابتدایی و حتماً ناظران ساده در زمینه مطالعات امنیتی، بر این نکته واقفند که با پایان یافتن جنگ سرد در سال ۱۹۹۱، بحثی دربارهٔ مرزهای مطالعات امنیتی در گرفته است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقد بودند که باید مرزهای مطالعات امنیتی گسترده‌تر شود و فراتر از ملاحظات و موضوع‌های نظامی یا سیاسی - نظامی باشد. از نظر آنان مباحثی چون اقتصاد، محیط‌زیست، موضوع‌های مختلف اجتماعی و سیاست‌های حمایتی مالی، بعضاً ادعا می‌شد که باید در ذیل عنوان «امنیت ملی» یا حتی «امنیت بین‌المللی» آورده شود. انگیزهٔ برخی از نظریه‌پردازان در حمایت از این ادعا به برداشت‌شان از امنیت برمی‌گشت و اینکه معتقد بودند، امنیت دلالت بر حفظ سلامت و حیات درازمدت یک ملت یا جهان بر حل مشکلات مبتلا به آن است. اما برخی از صاحب‌نظران این را بهانه‌ای برای سیاست‌گذاران می‌دانستند، بدین وسیله مسائل دلخواه‌شان را برجسته سازند؛ همگان می‌دانند که مسائل امنیتی مهم بوده در مقام جلب حمایت و پشتوانه مالی و اولویت نخست را نزد دولت‌ها دارند.

در حال حاضر پنج رهیافت متفاوت اما انطباق‌پذیر را می‌توان شناسایی کرد که غالباً با عناوینی چون امنیت ملی، امنیت بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای، امنیت فراحکومتی و امنیت جهانی مطرح می‌شود. در یک طبقه‌بندی مفهومی باید گفت که امنیت ملی به موضوع‌های امنیتی در سطح ملی می‌نگرد. تهدید یا توسل به قوه قهریه یا هر دو مورد برای تضمین بقای یک کشور است. این رویکرد واقع‌گرایان به امنیت است. در نگاه آنان یک کشور بازیگر اصلی در نظام بین‌المللی است؛ نظامی که کاملاً یا - نسبتاً دچار هرج و مرج است. در عین حال، کشور در جایگاه یک واحد سیاسی می‌تواند با دیگران از در اتحاد درآید و در زمینه مهار تسلیحات به

توافقاتی دست یازد و وارد ترتیب‌های چندملیتی دیگری شود و از آن به عنوان ابزارهای خط‌مشی امنیت ملی بهره ببرد.

در طبقه‌بندی مفهومی، معضل امنیتی به راحتی می‌تواند در قالب امنیت بین‌المللی جای گیرد، زیرا مسلم است که امنیت یک کشور به امنیت دیگران وابسته و مرتبط است. از این منظر، استفاده همگانی از قوه قهریه ابزار مهمی در اجرای سیاست است. گرچه این نگرش تا حدودی تحت تأثیر نگرش واقع‌گرایان سستی است، اما در این رویکرد به نهادها و ترتیب‌های بین‌المللی بیشتر از امنیت ملی توجه می‌شود.

رویکرد امنیت منطقه‌ای نیز از نظر مفهومی متفاوت از مفهوم امنیت بین‌المللی نیست، زیرا مفهوم امنیت بین‌المللی زمانی شکل گرفت که بین آمریکا و شوروی توافقات هسته‌ای برقرار شده بود. به همین ترتیب بین سازمان ناتو و پیمان ورشو دست‌کم در چارچوب اروپایی رابطه برقرار بود. در عین حال امنیت منطقه‌ای نیز در قالب همین نگرش به موضوع‌های امنیتی دیگر مناطق جغرافیایی دنیا - مثل آمریکای لاتین، آفریقا یا جنوب آسیا تکیه دارد.

مفهوم امنیت فرادولتی مفهومی جدید است. فصلی از کتاب به طور کامل به تشریح این موضوع اختصاص دارد. در رویکرد ملی، بین‌المللی و منطقه‌ای در درجه اول مفاهیم امنیتی بر محور دولت قرار دارند، اما مفاهیم دیگر از جمله امنیت فرادولتی بر این محور است که بعد از جنگ سرد بازیگران فرودولتی و فرادولتی می‌توانند منبع مهمی برای بی‌ثباتی باشند. این بازیگران عبارتند از جنبش‌های قومی - ملی، افراط‌گرایان مذهبی، سازمان‌های جنایی، تروریست‌ها و شورشیان. گرچه این گروه‌ها در سطوحی محدودتر از یک کشور یا به صورت فراحکومتی عمل می‌کنند، در عین حال ممکن است با کشورها و حکومت‌ها نیز در ارتباط باشند.

در طبقه‌بندی مفهومی، «امنیت جهانی» در صدد است که دستور کار امنیتی را فراتر از موضوع‌های نظامی یا سیاسی - نظامی قرار دهد و موضوع‌های دیگری چون حقوق بشر، حفظ محیط‌زیست، رفاه اقتصادی و تحولات اجتماعی را در این قالب بگنجاند. این رویکرد بیشتر مبتنی بر دیدگاه‌های آرمان‌گرایی است تا واقع‌گرایی. در این رویکرد هدف برقراری نظم و قانون در نظام بین‌المللی به جای قوه قهریه، درگیری و جنگ در روابط بین‌الملل است. در واقع، روابط میان بازیگران همکاری، چانه‌زنی و پیش‌برد اهداف صلح‌آمیز است.

نویسندگان این کتاب از میان مفاهیم فوق به موضوع مطالعات امنیتی از دیدگاه‌های امنیت ملی، بین‌المللی، منطقه‌ای و فراحکومتی می‌پردازند. البته این به مفهوم آن نیست که رویکرد امنیت جهانی از درجه کمتری اهمیت برخوردار است، بلکه در این کتاب سعی می‌شود به جنبه‌های سستی و تاریخی امنیت پرداخته شود و ریشه‌های بی‌ثباتی، مناقشه و جنگ، تهدید، توسل به زور و هدایت نیروهای نظامی و موضوع‌های مربوط به آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. نویسندگان بنا به دلایل متعدد این نگرش را برگزیده‌اند که عبارتند از:

اول - در رویکرد امنیت، چهار نگرش اول خیلی دقیق‌تر به تشریح نقش دولت، بازیگران دولتی و دیگر بازیگران سیاسی فراحکومتی می‌پردازد. گرچه جنگ سرد خاتمه یافته است و نظام بین‌الملل وارد یک دوره انتقالی عمده شده است، اما هنوز نمی‌توان به ضرس قاطع گفت که نظام جدید منجر به همکاری متقابل و پیروی از ارزش‌های جهانی و انحلال نیروی نظامی می‌شود. این در حالی است که در رویکرد امنیت جهانی اینها اجزای تشکیل‌دهنده امنیت جهانی هستند؛ حتی اگر فرض بگیریم که تقابل میان شرق و غرب خاتمه یافته است، اما خصومت در درون کشورها و بین جوامع مختلف همچنان در دورترین نقاط دنیا وجود دارد و هر لحظه ممکن است این خصومت‌ها منجر به تخاصم و جنگ شود و دلیلی ندارد که خوشبین‌تر از گذشته باشیم.

دوم - برقراری امنیت جهانی مستلزم اجرای نظم است. حتی در این قالب نیز زمینه، بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. گسترده‌تر کردن این مفهوم این مشکل را دارد که هر معضل ملی و بین‌المللی در قالب مفاهیم امنیتی تفسیر و توجیه شود و بدین ترتیب مطالعات امنیتی نه تنها دربرگیرنده همه ابعاد روابط بین‌الملل باشد، بلکه سیاست‌های داخلی کشورها را نیز شامل شود.

سرانجام آن که با تمرکز بر علل وقوع جنگ و مناقشه، تهدید، توسل به نیروهای نظامی و هدایت آن و موضوعاتی که با این مبحث ارتباط نزدیک دارد، به طور منطقی می‌توان پایه‌ها و عناصر مطالعات امنیتی را تعریف و مجزا کرد و مابین آنها ارتباط منطقی برقرار ساخت. همان‌گونه که در این کتاب بیان شده است، این چارچوب در قالب یک رشته مطالعاتی به نام مطالعات امنیتی طرح می‌شود که از نظر حیطة و حوزه در واقع چند رشته‌ای است و شامل جنبه‌هایی از علوم سیاسی، تاریخ، فلسفه، اقتصاد، حقوق و روان‌شناسی می‌شود.

با وجود این، از مطلب فوق نباید این گونه برداشت شود هر موضوعی که در این چارچوب قرار گیرد باید ثابت باقی بماند. نویسندگان کتاب بر این باورند که موضوعاتی چون خط‌مشی‌های اقتصادی و زیست‌محیطی باید در مطالعات امنیتی گنجانده شود. در حالی که در گذشته به این موضوع‌ها پرداخته نمی‌شد. به همین دلیل، در این کتاب به این دو موضوع نیز پرداخته شده است. در هر صورت، نویسندگان تلاش دارند جنبه‌هایی را در این کتاب تشریح کنند که در قالب رویکرد امنیتی قرار می‌گیرد و سعی می‌شود در این کتاب به موضوع‌های دیگری که ارتباطی با مباحث امنیتی ندارند، به رغم اهمیت آنها - پرداخته نشود.

امنیت و استمرار اهمیت آن

در روزهای سرخوشتی از پایان جنگ سرد، نظریه «امنیت جهانی» بیش از پیش قوت می‌گرفت. برخی معتقد بودند که تغییرات نظام بین‌الملل منجر به افول و حتی از میان رفتن قدرت نظامی چونان ابزار اجرای سیاست کشورها می‌شود. در واقع، این سومین بار در قرن بیستم بود که افول قدرت نظامی پیش‌بینی می‌شد؛ دو مقطع زمانی دیگر بعد از جنگ جهانی اول و دومی بعد از جنگ جهانی دوم بود که در پرتو تحولات بین‌المللی به نظر می‌رسید قدرت نظامی اهمیت خود را از دست می‌دهد. اما این نظریه، خیالی باطل و غیرواقعی بود، زیرا قدرت نظامی و توسل به زور همچنان یکی از ابزارهای اصلی حکومت‌ها باقی مانده است. حوادث بعد از سال ۱۹۹۱ نیز نشان داد که سرخوشتی بعد از جنگ سرد حتی - در بهترین حالت - ناپخته و خام بود. بنابراین، مطالعات امنیتی همچنان موضوعی مهم در پژوهش‌های جدید به شمار خواهد آمد.

با پایان جنگ سرد تحولات چشمگیری در عرصه بین‌المللی به وجود آمد. تهدیدهای آمریکا و متحدانش علیه شوروی بعد از چهل و پنج سال کنار گذاشته شد و به نظر می‌رسید دنیا به سمت ساختارهای چندقطبی حرکت می‌کند و نقش بازیگران فرعی و فراحکومتی بیشتر می‌شود. البته در ساختار جدید، بی‌ثباتی، مناقشه و تهدیدهای نظامی نسبت به آمریکا و متحدانش همچنان وجود دارد. ما باید این تهدیدها و ستیزه‌ها را درک و ارزیابی کنیم. حفظ نیروی نظامی برای مقابله با این تهدیدها لازم و ضروری است. در عین حال باید تلاش شود تا ثبات در نقاط مختلف دنیا و در جاهایی که منافع آمریکا اقتضا می‌کند، توسعه یابد و

تقویت شود. جنگ خلیج [فارس] در سال ۱۹۹۱ از جمله مواردی بود که نشان داد نیروی نظامی - چه به طور یک جانبه و چه در اتحاد با دیگران یا در قالب تلاش های سازمان های بین المللی - همچنان عاملی مهم در عرصه سیاسی جهان معاصر است. اگر می خواهیم در منطقه خلیج فارس ثبات حفظ شود و از وقوع جنگ در آینده حذر شود، باید ترتیب های خلاق و جدید امنیتی منطقه ای شکل گیرد و به اجرا گذاشته شود. همین موضوع درباره اروپا - از جمله بلوک شوروی سابق - و آسیا و اقیانوسیه نیز صدق پیدا می کند. نیروی نظامی در این روند جایگاه خاص خود را دارد.

به همین ترتیب، خصومت های بینادولتی و بین قومی می تواند منجر به درگیری، مناقشه و جنگ شود. در دوره کنونی، این خصومت ها به صور گوناگون در نقاط مختلف بروز کرده است. اگر منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا تحت تأثیر این مناقشه ها قرار گیرد، ممکن است این کشور وارد کارزار شود. افزون بر این، حتی در صورتی که مناقشه مسلحانه نیز در کار نباشد، توازن قوای نظامی میان کشورها عامل روانی تعیین کننده ای در روابط میان کشورها در زمان صلح است که این نه تنها تصورات مربوط به امنیت، بلکه روند روزمره سیاست را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهد. بدین ترتیب، دلیلی ندارد انتظار داشته باشیم که در قرن بیست و یکم نیروی نظامی از اهمیت کمتری برخوردار باشد.

دلایل فوق نشان می دهد که موضوع «امنیت» همچنان در دستور کار سیاست عمومی باقی مانده است و بحث های راهبردی، بودجه و برنامه های دفاعی ادامه خواهد یافت. در مطالعات امنیتی می توان دو دوره آموزشی را در نظر گرفت، یک دوره فشرده که دانشجویان بتوانند طی یک برنامه جامع، تخصص لازم را در مسائل امنیتی فراگیرند و یک دوره عادی در دانشکده علوم سیاسی و دانشکده روابط بین الملل که طی آن دانشجویان با مفاهیم اصلی امنیت آشنا شوند.

ریشه های مطالعات امنیتی چنان زمینه ای برای تحقیق و پژوهش

در بیش از یک قرن تاریخ آمریکا، موضوع های امنیتی عموماً محدود به جامعه آمریکا می شد و در سیاست گذاری خارجی آن کشور به موضوع های امنیتی اهمیت بالایی داده نمی شد. تشکیلات نظامی، کوچک و محدود بود و هزینه های دفاعی نیز رقم درخور توجهی به شمار

نمی‌رفت. با پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸، آمریکا در مقام یک قدرت عمده جهانی سربرآورد، اما این تحول به نظر موقت و تابع شرایط آن زمان می‌آمد. طولی نکشید که الگوی تاریخی دوباره ظاهر شد و سیاست آرمان‌گرایی ویلسون جای خود را به سیاست انزواگرایی داد.

به لحاظ این که امور نظامی و دفاعی در جامعه آمریکا در حاشیه قرار داشت، جای تعجب نیست که در برنامه‌های درسی دانشگاه‌های این کشور قبل از جنگ جهانی دوم به مطالعات امنیتی، موضوع قدرت نظامی و نقش آن و اتحادهای مبتنی بر امنیت یا اطلاعات توجه چندانی نمی‌شد. بعد از جنگ جهانی اول، استادان بیشتر به تاریخ دیپلماسی، حقوق بین‌الملل و ساختار قدرت در عرصه بین‌المللی پرداختند. راهبرد نظامی و موضوع‌های مربوط به آن بیشتر در دانشکده‌های نظامی تدریس می‌شد.

بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا به یک ابرقدرت مبدل شد. در کنار توسعه سریع ساختارهای دفاعی و نظامی آمریکا، نقش رهبری بین‌المللی و منافع جهانی آمریکا نیز اهمیت بیشتری پیدا کرد. سیاست امنیت ملی، راهبرد نظامی و برنامه‌ریزی دفاعی که قبل از جنگ در حاشیه سیاست‌گذاری‌ها قرار داشت، بعد از جنگ در رأس دستور کار سیاسی قرار گرفت. مؤسسات پژوهشی دفاعی زیرنظر وزارت دفاع آن کشور - به ویژه در زمان راهبرت مک‌نامارا^۱ معاون وزارت دفاع در دهه ۱۹۶۰ - بنیان نهاد شد که از جمله شامل تأسیس «مؤسسه تحقیقات و توسعه»^۲ بود که در سال ۱۹۴۶ نیروی هوایی آمریکا به ایجاد آن دست زد. البته با توجه به سنت لیبرالی حاکم بر آمریکا و ساختار قانون اساسی در تعیین روابط میان ارتش و نهادهای غیرنظامی و شرایط اجتناب‌ناپذیر امنیت ملی بعد از جنگ جهانی دوم، موجب تعجب نبود که غیرنظامی‌ها در تعیین سیاست‌ها و انجام دادن مطالعات مربوط به

1. Robert McNamara

۲. RAND. کتبه نوشت عبارت "Research and Development" است و به اولین سازمان تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در زمان تأسیس آن در سال ۱۹۴۶ نخستین مشتری آن نیروی هوایی آمریکا بود که از این مؤسسه برای طراحی جنگنده، موشک و ماهواره کمک می‌گرفت. حتی گفته می‌شود که فناوری مربوط به اینترنت برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ طراحی شده است. (مترجم)

امنیت ملی آمریکا نقش و حضور داشته باشند. به نسبتی که پژوهش و تحلیل، در زمینه موضوع‌های امنیتی روبه‌گسترش بود، تبعاً تعلیم علوم امنیتی نیز در دانشگاه‌های آمریکایی رونق بیشتری گرفت. گرچه در سال‌های اولیه دهه ۱۹۶۰ برنامه آموزشی و جامع درباره مطالعات امنیتی کم بود، اما تعداد دانشگاه‌هایی که موضوع امنیت در آنها تدریس می‌شد، روبه افزایش گذاشت و برخی دانشگاه‌ها دست‌کم یک یا چندین رشته را به مبحث امنیت اختصاص دادند. به اهتمام پروفسور فرانک تراگر^۱ - استاد دانشگاه نیویورک - و یاری «مرکز اطلاعات راهبردی ملی»^۲ به مدت یک دهه، همه ساله در فصل تابستان همایشی با شرکت دانشکده‌ها و دانشگاه‌های مختلف در زمینه امنیت برگزار گردید که کمک بزرگی به توسعه این مبحث کرد. برآیند این گردهمایی‌های تابستانی انتشار مجموعه‌ای از مقالات در زمینه الگوهای تدریس، برنامه زمانی آموزشی، کتابشناسی و موضوع‌های آموزشی مربوط به امنیت ملی بود. مهم‌تر آن که استادان جوانی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در دانشگاه‌هایی چون دانشگاه کلمبیا، ام‌آی‌تی، پرینستون، ییل و هاروارد دوره مطالعات امنیتی را به پایان رسانده بودند در دانشکده‌های علوم سیاسی و دیگر دانشکده‌ها به تدریس این مبحث مشغول شدند.

گسترش مطالعات امنیتی در دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت؛ برای مثال در سال ۱۹۷۱ دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر^۳ رشته مطالعات امنیت بین‌المللی را تأسیس کرد. به همین ترتیب دانشگاه جرج تاون نیز در سال ۱۹۷۷ و دانشگاه مریلند در سال ۱۹۸۲ رشته مطالعات امنیت ملی را بنیان گذاشتند. در عین حال با گذشت زمان، روند گسترش رشته‌های مطالعاتی مربوط به امنیت کندتر شد. این امر نشان‌دهنده برقراری نوعی توازن میان عرضه و تقاضا برای دوره کارشناسی مطالعات امنیتی بود که البته در این میان نباید سرخوردگی ناشی از ماجراجویی‌های نظامی در جنگ ویتنام را نادیده گرفت. اما در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ بار دیگر علاقه به مبحث امنیت بالا رفت و امنیت ملی در رأس برنامه‌های ملی قرار

1. Frank Trager

2. National Strategy Information Center

3. Fletcher School of Law and Diplomacy

گرفت. در اواخر دهه ۱۹۸۰ دانشگاه‌های مختلف در آمریکا رشته کارشناسی امنیت بین‌المللی را ایجاد کردند.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، اکنون در مطالعات امنیت بین‌المللی رویکردها، دیدگاه‌ها و رشته‌های بی‌شماری در دانشگاه‌ها مطرح است. در عین حال، مرور مختصری بر این دوره‌ها نشان می‌دهد در برخی از موضوع‌ها علایق مشترکی وجود دارد. مطالعات امنیتی در مقام یک رشته تحصیلی، تحت تأثیر تحولات بین‌المللی - از جمله رقابت شرق و غرب و علوم و فناوری - قرار دارد. حتی با پیچیده‌تر شدن تحولات بین‌المللی، روابط شرق و غرب و تحولات سریع در فناوری نظامی از جمله موضوع‌های اساسی در مطالعات امنیتی بین‌المللی است. نگرانی‌های امنیتی و موضوعاتی چون تسلیحات هسته‌ای و گسترش آنها، آموزشهای نظامی مبتنی بر بازدارندگی و راهبرد هسته‌ای، روند اکتساب تسلیحات، ساختار و روند تصمیم‌سازی در نهاد امنیت ملی آمریکا، رقابت قدرت‌های بزرگ و اتحادهای سیاسی به ویژه در اروپا، مدیریت بحران و در سطح پایین‌تر موضوع تسلیحات معارف و گسترش آنها را شامل می‌شود. البته در دوران جنگ سرد به غیر از روابط شرق و غرب، موضوع‌های دیگری چون تروریسم، علل و راهبرد انقلاب، ضد انقلاب و دیگر مناقشه‌های با شدت کم و امنیت منطقه‌ای از دیدگاه بازیگران منطقه‌ای، در درجه کمتری از اهمیت قرار داشت. زمانی که درباره امنیت بحث می‌شد این موضوع‌ها در اولویت نبود و اساساً به این موضوع‌ها در چارچوب روابط شرق و غرب نگریسته می‌شد.

کاستی‌های نسل اول برنامه مطالعات امنیتی

در اواخر دهه ۱۹۸۰، بعد از تقریباً چهاردهه توسعه مطالعات امنیتی، ضعف‌ها و کاستی‌هایی در نسل اول این مطالعات قابل شناسایی بود. از جمله این کاستی‌ها تأکید بیش از حد به نظریه بازدارندگی و اطلاق آن در طیف کامل جنگ و مناقشه بود. این نگرش در مطالعات مربوط به امنیت بین‌المللی و مطالعات سیاسی غالب بود؛ به همین خاطر، به قالب‌های سیاسی و فرهنگی بازیگران مختلف در صحنه جهانی توجه چندانی صورت

نمی‌گرفت. این الگو^۱ به غلط بر این باور قرار داشت که مفاهیم اولیه‌ای که در روابط هسته‌ای و متعارف اروپا و مناقشه میان آمریکا و شوروی وجود داشت، در قالب‌های دیگر منطقه‌ای و فرهنگی نیز نمود داشته و برای مناقشات متعارف و غیرمتعارف اطلاق‌پذیر است.

کاستی دوم در مطالعات امنیتی توجه ناکافی به مأموریت‌های غیررزمی نیروهای نظامی در زمان صلح بود که اصطلاحاً به آن «عملیات غیرجنگی» گفته می‌شد. این مأموریت‌ها شامل تهدید، ارباب و نمایش نیروی نظامی، حفظ صلح، اجرای صلح، حضور پیشگیرانه، کمک بشر دوستانه و حمایت نظامی از دیگر کشورها می‌شود. این نوع مأموریت‌های غیررزمی، بیشتر در اجرای سیاست خارجی و نظامی کشورهایی نقش ایفا می‌کند که با تهدید قریب‌الوقوع امنیتی روبه‌رو نیستند.

سومین ضعف مطالعات امنیتی در این دوره، این بود که این مطالعات بیشتر حول وحوش محور آمریکا، اروپا و شوروی سابق دور می‌زد و تقریباً دیگر نقاط جهان را به‌بوتۀ فراموشی می‌سپرد. رشته مطالعات امنیتی به نحو شایسته و بایسته به اهمیت مناطق غیراروپایی برای آمریکا یا امنیت بین‌المللی توجه نمی‌کرد.

چهارمین نکته، اینکه مطالعات عمومی امنیتی چندان توجهی به نفوذ فرهنگی و ارزش‌ها در مناقشه‌ها، راهبردها و حل و فصل مناقشه‌ها نداشت. به رغم به هم پیوستگی فزاینده جهانی، تفاوت‌های فرهنگی مهمی میان کشورها و ملت‌ها وجود دارد که شکل‌دهنده تصمیم‌ها و اقدام‌های دولت‌ها، گروه‌های فراحکومتی و بازیگران فراملی است. یک جنبه مهم در ارزیابی و پیش‌بینی مناقشه‌ها و حل و فصل آنها درک تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی میان جوامع مختلف با سوابق سیاسی، مذهبی، قومی و فرهنگی متفاوت است.

۱. الگو (پارادایم) عبارت است از ویژگی بسیار کلی از هستی‌های گوناگون. هیچ الگویی در علم همیشگی نیست اما هر الگو (پارادایم) یک تصویر شخصی از هستی به‌دست می‌دهد. درواقع الگو (پارادایم) همانند یک قانون اساسی است که تا قانون اساسی جدیدی آن را نقض نکرده‌است، بقیه قوانین نباید با آن مخالف باشند. در تئوری‌سازی، الگو (پارادایم) آخرین پله نردبان است و تا زمانی که الگویی تازه به وجود نیامده است تمام نظریه‌ها با آن سر موافقت دارند. (مترجم)

ضعف پنجم در مطالعات امنیتی نسل اول پیوند بیش از اندازه آن با دوران بعد از جنگ جهانی دوم بود. مشغله ذهنی درباره تحولات این مقطع زمانی، باعث می‌شد که به مطالعات تاریخی قبل از جنگ جهانی دوم - آن طور که باید و شاید - پرداخته نشود؛ در حالی که پرداختن به این موضوع می‌توانست راه‌گشای مشکلات زمان کنونی و آینده شود. استراتژیست‌ها و برنامه‌ریزان غیرنظامی آن چنان در موضوع‌های زمان خود غوطه‌ور بودند که حتی از تاریخ نیز غافل شدند. از اوایل دهه ۱۹۶۰ دانشمندان علوم سیاسی در آمریکا سلطه خود را بر این رشته گسترانیده بودند و به همین جهت گرایش به انجام دادن پژوهش در این رشته فزونی گرفت. در عین حال ضرورت پرداختن به مطالعات تاریخی قبل از جنگ جهانی دوم یک الزام به شمار می‌رفت زیرا انجام دادن پژوهش در موضوع‌های مختلف امنیتی و جنگ در نقاط مختلف دنیا اجتناب‌ناپذیر بود.

سرانجام آن که در مطالعات امنیتی توجه چندانی به استفاده از اهرم قدرت و نفوذ نمی‌شد؛ شاهد این مدعا این است که مطالعات اطلاعاتی و جاسوسی صرفاً در سال‌های اخیر رشد یافت. در طول تاریخ، بازیگران بسیاری در خط مشی‌های امنیتی به اقدامات پنهانی و دیگر ابزارهای غیرنظامی دست یازیدند، اما در مطالعات امنیتی به این مسائل توجه نمی‌شد. در حالی که موضوع‌های دیگری چون نقش اطلاعات فراملی و برنامه‌های فرهنگی، انتقال فناوری، تبلیغات برای تأثیرگذاری سیاسی، سیاست‌های اقتصادی و نهادهای مالی نیز سزاوار توجه است.

تحولات دنیا بعد از جنگ سرد

وجود این کاستی‌ها به تنهایی می‌توانست توجیه‌گر ضرورت بازبینی همه‌جانبه در مطالعات امنیتی باشد. این کار در سال ۱۹۹۲ - ۱۹۹۱ آغاز شد و در چاپ اول این کتاب مجموعه‌ای از این بازنگری‌ها انجام شد. در عین حال تحولات سریع در سیاست‌های جهانی بعد از پایان جنگ سرد ضرورت این بازبینی را دوچندان کرد. این تغییرات چنان وسیع و فراگیر بود که رؤسای دانشگاه‌ها و کمیته‌های آموزشی و مدیران برنامه‌ریزی درسی را بر آن داشت تا به ناچار در برنامه آموزشی مطالعات امنیتی بازنگری کنند.

از جمله تحولات چشم‌گیری که در چاپ اول کتاب - یعنی مطالعات امنیتی دهه ۱۹۹۰ - به آن توجه شد، موضوع اتحاد دو اروپا، خارج شدن کشورهای اروپای شرقی از زیر یوغ شوروی، فروپاشی شوروی و آغاز حرکت کشورهای اروپای شرقی و کشورهای جانشین شوروی به سمت استقرار دولت‌های مردم‌سالار و بازارهای آزاد اقتصادی بود. این تحولات در ساختار نظام بین‌الملل و فضای امنیتی بین‌المللی تأثیر به‌سزایی داشت. از اواخر دهه ۱۹۴۰ محیط بین‌المللی دو جهان دو قطبی و تقابل میان شرق و غرب خلاصه می‌شد، اما با پایان جنگ سرد اتحادهای سابق به هم خورد و سطوح قدرت تغییر کرد و در محافل علمی، در نظریه‌هایی که زیربنای روابط و امنیت بین‌المللی را تشکیل می‌داد، بازنگری شد. البته هنوز هم بازتاب‌های کامل این تحولات در امنیت ملی و بین‌المللی و تبعاً بازتاب آن در مطالعات امنیت ملی و بین‌المللی نامعلوم است. پرسش این جاست که آیا در دوران پس از جنگ سرد ثبات بیشتری در دنیا حاکم می‌شود یا خیر؟ آیا نگرانی‌های مربوط به جنگ و درگیری برطرف خواهد شد؟ آیا با کنار رفتن تهدید شوروی و غالب شدن فضای امن بین‌المللی شاهد کاهش قدرت نظامی آمریکا و متحدانش خواهیم بود؟ آیا اشغال کویت به دست عراق، جنگ در یوگسلاوی سابق و دیگر مناقشات مسلحانه نشان نمی‌دهد که باید در کاهش توان نظامی محتاط بود؟ صرف‌نظر از این که پاسخ این پرسش‌ها چه باشد، آن چه با اطمینان می‌توان گفت این است که مطالب درسی امنیت بین‌المللی در دهه آینده بی‌تأثیر از تحولات سیاسی و امنیتی در عرصه بین‌المللی نخواهد بود.

تحول دیگر - که تا قبل از دهه ۱۹۷۰ مشهود نبود و در بازنگری مطالب درسی مطالعات امنیتی باید به آن توجه کرد - مناقشه‌های محدود میان کشورهای در حال توسعه است. در این طبقه‌بندی باید موضوع تروریسم، جنبش‌های چریکی، نهضت‌های مقاومت، جنبش‌های انقلابی و کشورهایی را که به نحوی از انحاء در انواع مختلف مناقشه‌ها دخیل هستند جای دهیم. با کاهش احتمال جنگ وسیع با سلاح‌های متعارف یا جنگ هسته‌ای، اکنون محافل علمی و نیز سیاست‌گذاران توجه خود را به موضوع‌های امنیتی ناشی از مناقشه‌های محدود متمرکز کرده‌اند. این بررسی‌ها شامل مطالعه راهبردها و شیوه‌های بازیگران در این‌گونه مناقشه‌هاست و اینکه چگونه می‌توان تهدیدهای ناشی از آن را دفع کرد و درصدد حل مناقشه برآمد. روش‌های جنگ،

مناقشه، شناسایی، حل و فصل علل و عوامل پیدایش جنگ‌های محدود، نیاز به مطالعات بیشتر و توجه افزون‌تر محافل علمی و دانشگاهی دارد.

زمینه دیگری که در بازنگری مطالعات امنیتی مورد توجه قرار گرفت، موضوع مناقشه‌های امنیت منطقه‌ای بود. در دوره پس از جنگ ویتنام، جنگ‌های منطقه‌ای عموماً در سطحی محدود بود. در عین حال، جنگ خلیج [فارس] نشان داد که ابعاد جنگ می‌تواند فراگیر باشد. در نتیجه گسترش گسترده سلاح‌های متعارف و فناوری در پنجاه سال گذشته، احتمال وقوع درگیری‌های مسلحانه غیرهسته‌ای میان کشورهای جهان سوم در مناطق مختلف دنیا بیشتر شده است. بنابراین ضرورت دارد که در مطالب درسی به موضوع علل و عوامل پیدایش این درگیری‌ها و هدایت مناقشه‌های منطقه‌ای پرداخته شود.

تحول دیگری که در اوایل دهه ۱۹۹۰ روی داد، پیدایش هم‌زمان دولت‌های ضعیف و نیز افزایش تعداد بازیگرانی بود که تحت کنترل دولت نبودند. بازیگران فرادولتی و فرو دولتی در نقاط مختلف جهان به طور فزاینده‌ای وارد صحنه شدند. با وجود این، پایان جنگ سرد و فروپاشی امپراتوری شوروی اهمیت این دسته از بازیگران را بیشتر کرده است. بسیاری از سازمان‌های غیررسمی و بازیگران غیردولتی نقش مثبت و سازنده‌ای برعهده دارند، اما برخی بازیگران غیردولتی - مثل جنبش‌های قومی و مذهبی، باندهای جنایی بین‌المللی و شبه‌نظامی‌ها - در برهم زدن ثبات منطقه‌ای و نیز کیفیت زندگی در کشورهای غربی مؤثر هستند. فعالیت‌های این گروه‌ها عبارت است از قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح، پول‌شویی، تقلب، تروریسم، [هم‌دستی در] فساد مقامات حکومتی و قاچاق انسان. درک، ارزیابی و مقابله با فعالیت‌های بازیگران غیردولتی در قرن بیست و یکم همچنان برای حکومت‌ها یک اولویت امنیتی به شمار می‌رود.

تحول دیگر، بازنگری در چشم‌انداز اشاعه سلاح‌های پیچیده در کشورهای در حال توسعه است. ظرفیت‌های در خور توجه در این گونه سلاح‌ها شامل موشک با کلاهک‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی در قضیه اشغال کویت به دست عراق هویدا شد و به دنبال آن مقاصد و ظرفیت‌های عراق در عرصه سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای بیشتر مشخص شد. اشاعه این گونه سلاح‌ها در حال حاضر و آینده، در ثبات و اتحادهای منطقه‌ای - از جمله در خاورمیانه - مؤثر خواهد بود. این موضوع همچنین در ساختارهای نظامی غیرهسته‌ای آمریکا و

متحدانش و نیز راهبردهای جنگی، سیاست‌های اقتصادی و تجاری در کشورهای تولید کننده سلاح، قواعد جلب مشارکت و تلاش‌های بین‌المللی برای ممانعت از اشاعه گسترده‌تر این‌گونه فناوری‌ها تأثیر خواهد داشت. در مطالب درسی جلد اول این کتاب به تفصیل به این موضوع‌ها پرداخته شده است.

افزون بر اتحادهای سیاسی، پیدایش برخی سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر می‌تواند نقش فزاینده‌ای در امنیت بین‌المللی داشته باشد. سازمان ملل نقشی اساسی در میانجی‌گری مناقشه‌ها، حفظ صلح و دوره انتقالی سیاسی در جنوب آفریقا، صحرای غربی، افغانستان، کامبوج و السالوادور ایفا کرد. در جنگ متحدین برای آزادی کویت، یک ساختار امنیت جمعی را فراهم آورد و روابط جامعه بین‌المللی با عراق را بعد از جنگ کویت تبیین و تنظیم کرد. سازمان‌های منطقه‌ای - از جمله کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، سازمان کشورهای آمریکایی و سازمان وحدت آفریقا و انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا^۱ (آسه آن) نیز نقش‌های جدید را در میانجی‌گری برای حل مناقشه‌ها و پشتیبانی و همکاری برای استقرار امنیت و تدابیر مربوط به ایجاد اعتماد و امنیت منطقه‌ای بر عهده گرفتند. سزاوار است که ما به نقش این سازمان‌ها و نحوه تأثیرگذاری آنها بر امنیت منطقه‌ای و جهانی توجه کنیم.

سرانجام آن که کارشناسان دولتی و غیردولتی به تدریج نگرانی‌های محیط زیستی را که امکان دارد ابعاد امنیتی در خور توجهی پیدا کند مورد ملاحظه قرار می‌دهند. نمونه حوادث ناشی از فعالیت‌های نظامی که می‌تواند محیط زیست را تحت تأثیر قرار دهد رزمایش‌هایی است که حیات وحش را به خطر می‌اندازد و انجام دادن آن به زیان زیست‌حیوانات است. مثال دیگر تخریب عمدی محیط زیست بنا به ملاحظات جنگی و رزمی است، مثل اقداماتی که عراق در سال ۱۹۹۱ در جنگ خلیج [فارس] به عمل آورد. موضوع‌های امنیتی زیست محیطی همچنین شامل تخریب‌هایی می‌شود که می‌تواند ثبات منطقه‌ای یا جهانی را به خطر اندازد و آتش جنگ و مناقشه را شعله‌ور سازد. مثال‌هایی از این تخریب‌ها گسترش صحرا در آفریقا یا تغییر مسیر جریان آب در جنوب آسیا است که عامل سیل در آن ناحیه می‌شود.

1. Association of Southeast Asian Nations

گرچه همه این تحولات در مطالب درسی مربوط به مطالعات امنیتی برای دهه ۱۹۹۰ گنجانده شده بود، اما ظاهراً ماهیت سیال و نامطمئن فضای بین‌المللی معاصر ایجاب می‌کند که موضوع‌های دیگری در مطالعات امنیتی برای آینده در نظر گرفته شود. جلد دوم کتاب *مطالعات امنیتی در قرن بیست و یکم* این تحولات را لحاظ کرده است و با بازنگری در فصول مختلف جلد اول و نیز افزودن فصول جدید سعی شده است مطالب درسی جامعی در زمینه مطالعات امنیتی به دست دهد.

تنش‌ها

به تناسب این که استادان دانشگاه تلاش خود را در طراحی مطالب درسی به عمل می‌آورند تا نقاط ضعف گذشته را باطرف کنند و تغییرات و تحولات جدید را لحاظ کنند، برخی تنش‌ها ناگزیر به وجود می‌آید. این‌گونه تنش‌ها عبارتند از اینکه چگونه می‌توان در پرداختن به وضعیت آمریکا با وضعیت نقاط دیگر جهان توازن به وجود آورد؟ به چه میزان می‌توان با گرایش‌های اجتناب‌ناپذیر ارزشی و ترجیحات سیاسی استادان و دانشجویان برخورد کرد؟

در ابتدا گفته شد که نسل اول مطالب درسی مربوط به مطالعات امنیتی توجه خود را بیشتر معطوف به آمریکا، اروپا و شوروی سابق کرده بود و به نقش دنیا توجهی نداشت. البته منظور این نیست که برنامه‌های درسی دانشگاه‌های آمریکا باید به عرصه توجه به آمریکا به وضعیت مناطق دیگر دنیا توجه کنند. بیشتر دانشجویان در دانشگاه‌های آمریکا از اتباع آمریکا هستند و بسیاری از آنها مایلند که بعد از خاتمه تحصیل بتوانند در نهادهای مربوط به امنیت ملی آمریکا یا سیاست‌گذاری خارجی مشغول به کار شوند. حتی دانشجویان خارجی با این فرض به دانشگاه‌های آمریکا آمده‌اند که مطالبی را درباره آمریکا بیاموزند و با این فرض به سیاست‌های امنیتی آمریکا برای آنان نیز جالب است. مسلم است افرادی که در امور امنیتی فارغ‌التحصیل می‌شوند باید به مسائل سیاست خارجی و دفاعی، راهبردها و ساختار نیروی نظامی آمریکا آشنایی داشته باشند.

در عین حال نباید تمام توجهات معطوف به مسائل آمریکا باشد. حتی برای درک مسائل امنیتی مربوط به آمریکا انجام دادن مطالعه مقایسه‌ای بسیار سودمند است. برای ارزیابی سیاست

خارجی و راهبرد نظامی آمریکا درک تاریخ، فرهنگ، منافع و سیاست‌های متحدین و متخاصمان بالقوه، اساسی است. همچنین با توجه به این که امنیت منطقه‌ای امروزه اهمیت پیدا کرده است، بنابراین باید در مطالعات امنیتی به غیر از منطقه اروپا به تاریخ و سیاست منطقه‌ای مناطق دیگر توجه کافی مبذول شود و دست‌کم به سیاست‌های خارجی و دفاعی بازیگران عمده در این مناطق پرداخته شود. این را که چگونه می‌توان میان توجه به آمریکا و دیگر مناطق جهان توازن ایجاد کرد نمی‌توان دقیقاً مشخص ساخت و مسلماً هر نهادی با نهاد دیگر تفاوت می‌کند. در جلد دوم کتاب، نویسندگان توجه بیشتری به موضوع‌های امنیتی منطقه‌ای کرده‌اند و شش درس جدید در این زمینه به کتاب افزوده‌اند.

موضوع بحث‌انگیز دیگر در طراحی مطالب آموزشی مربوط به مطالعات امنیتی تنش میان نظریه و عمل در سیاست است. در نگرش نظری بیشتر به موضوع‌هایی چون علل و عوامل پیدایش جنگ، کارایی استفاده از دیپلماسی، تهرآمیز یا منابع داخلی سیاست امنیتی یک ملت توجه می‌شود. این موضوع‌ها می‌تواند به دانشمند علوم سیاسی در بیان و آزمایش نظریه‌هایش کمک کند. نگرش نظری بیشتر توصیفی، تشریحی و آینده‌نگرانه است و در ساختار نیروی نظامی، الزامات جدید اطلاعات جاسوسی مشترک یا ارزیابی ساختارهای تصمیم‌گیری یا شیوه عمل، مطالعه و تمرکز دارد. این نوع نگرش می‌تواند یک سیاست‌گذار یا طراح استراتژیک را در طراحی و اجرای سیاست‌های امنیتی کمک کند. در نگرش عملی، مطالب بیشتر توصیه‌گرانه و هنجاری است.

برنامه درسی مطالعات امنیتی نباید جنبه نظری یا عملی صرف داشته باشد. در واقع، باید هر دو گرایش وجود داشته باشد و با هم در تعامل قرارگیرند و یکدیگر را تکمیل کنند. گاهی نظریه در تنظیم سیاست و سیاست‌گذاری مفید واقع می‌شود و گاهی هم یک سیاست می‌تواند در توسعه و آزمایش تئوری به کار گرفته شود. برنامه‌های آموزشی که با هدف تربیت دانشجویان برای مشاغل عملی طراحی می‌شود و به ویژه برنامه دو ساله کارشناسی ارشد عموماً به سیاست عملی توجه دارد تا مطالب نظری؛ اما برنامه‌های آموزشی که با هدف تربیت دانشجویان جهت استادی دانشگاه تنظیم می‌شود - به ویژه در دوره دکتری - بیشتر به جنبه‌های نظری می‌پردازد تا مطالب عملی.

در جلد دوم کتاب در فصل نتیجه‌گیری تلاش شده است که ارتباط میان آنچه به دانشجویان آموزش داده می‌شود، موضوع‌های سیاسی روز و آینده که ذهن سیاست‌گذاران آمریکایی را به خود مشغول کرده است، ارتباط و پیوند برقرار کند. نویسنده در فصل نتیجه‌گیری ده موضوع جدید امنیتی معاصر یا در حال پیدایش را ذکر کرده است که می‌تواند برای برنامه‌ریزان و مجریان امنیت ملی آمریکا در سال‌های آینده راهگشا باشد.

در جلد دوم کتاب نیز مثل جلد اول تلاش شده است تا در مطالب درسی - چه نظری و چه عملی - هم به مسائل آمریکا توجه کند و هم به مسائل خارج از آمریکا. برخی از درس‌ها در درجه اول به وضعیت آمریکا توجه دارد، در عین حال این نکته را نیز متذکر شده است که انجام دادن مطالعه مقایسه‌ای بسیار سودمند است. انتظار نویسندگان این کتاب این است که طراحان برنامه‌های درسی، در تنظیم درس‌های کتاب سعی کنند که در عرضه مطالب مربوط به آمریکا با مسائل دیگر مناطق جهان توازن ایجاد کنند. همچنین باید در میان مطالب نظری و مطالب عملی توازن ایجاد کرد.

بیشتر طراحان برنامه‌های آموزشی اذعان دارند که موضوع مطالعات امنیتی بسیار جنجالی و ارزشی است و استادان طبعاً نسبت به خط‌مشی‌های مختلف ترجیحات خود را دارند و دیدگاه آنان مسلماً در طراحی و محتوای درس‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. اما این‌گونه گرایش‌های ارزشی مختص مطالعات امنیتی نیست، بلکه در هر رشته تحصیلی که به موضوع‌های سیاسی جهانی، زیست‌محیطی، شهری و تحولات بین‌المللی سر و کار دارد ممکن است این گرایش‌ها وجود داشته باشد. برای رفع این مشکل راه‌های مختلفی قابل تصور است؛ اما به طور کلی اذعان به این که به هر حال استادان ممکن است تحت تأثیر ترجیحات ارزشی خود باشند، بهتر از این است که چنین نقیصه‌ای را منکر شویم و بگوییم که مطالب درسی و عرضه آن فارغ از گرایش‌های ارزشی است. یک راه برای کاهش درجه نگرش‌های ارزشی این است که در درس‌ها توجه خاصی به موضوع‌های ارزشی و اخلاقی در امنیت ملی بشود که در فصل اول کتاب به آن پرداخته شده است. افزون بر این، استادان می‌توانند از دانشجویان بخواهند که در موضوع‌های جنجالی تلاش کنند که با نظریات و دیدگاه‌های مختلف آشنا شوند.

شیوه استفاده از کتاب

این کتاب با مبحثی درباره «چشم‌اندازهای ارزشی - اخلاقی امنیت ملی» آغاز می‌شود و پیشینه‌ای از مباحث مطالعات امنیتی به دست می‌دهد. در این فصل چهار دیدگاه مختلف در زمینه اخلاقیات و ارزش‌هایی که در مطالعات امنیتی لحاظ شود تشریح شده است.

سپس ده درس در این کتاب مطرح می‌شود. البته مطالب این درس‌ها در زمینه هریک از موضوع‌ها شاید همه جابه و فراگیر نباشد؛ بلکه هدف این است که برای استادان یا برنامه‌ریزان آموزشی چارچوبی را به دست دهد که بتوانند در تنظیم مطالب درسی خود در زمینه موضوع‌های پویا و فضای امنیتی بعد از جنگ سرد از مطالب کتاب بهره‌مند شوند و با نقاط ضعف کتاب‌های گذشته در زمینه مطالعات امنیتی آشنا گردند. در هر فصل مقاله‌ای از یک نویسنده در موضوعی خاص آورده شده که در آن نویسنده تلاش کرده است تا برنامه زمانی و رنوس مطالب آموزشی و دیدگاه‌های انتقادی دو مباحثه‌گر را مطرح کرده و رویکردهای مختلفی را در زمینه موضوع مورد بحث تشریح کند.

ممکن است برخی از مؤسسه‌های آموزشی منابع کافی و دوره‌های آموزشی لازم را برای بهره‌مندی کامل از این کتاب داشته باشند، اما ممکن است همه مطالب این کتاب برای برخی دیگر از مؤسسه‌های آموزشی لازم نباشد، بلکه برخی از مباحث کتاب را انتخاب کنند و با برنامه آموزشی مؤسسه و نیازهای استادان و دانشجویان تطبیق دهند. راه دیگر آن است که برخی مطالب کتاب در یک ترم و برخی دیگر در ترم‌های بعدی آموزش داده شود. انتخاب دیگر این است که از دانشکده‌های نزدیک‌تر که هم در صلاحیت عملی آنهاست و هم در این زمینه استادان صاحب‌نظر دارند، خواسته شود که تدریس برخی درس‌ها را بر عهده گیرند.

درس حجیم این کتاب در فصل دوم با عنوان «مقدمه‌ای بر امنیت بین‌المللی» عرضه شده است. برای مؤسسه‌های آموزشی و دانشکده‌هایی که نمی‌توانند بیش از یک درس ارائه دهند، این درس می‌تواند نمونه خوبی برای مطالعات امنیتی باشد. گرچه فرض بر این است دانشجویانی که این درس را انتخاب می‌کنند قبلاً دست‌کم به طور مقدماتی با روابط بین‌المللی آشنا شده‌اند، اما مطالب این مبحث نیز با برخی اصلاحات و تغییرات می‌تواند برای دوره کارشناسی همچون درس مقدماتی در زمینه امنیت بین‌المللی در یک دانشکده علوم سیاسی

تلقی شود. بعد از آن فصل هشتم کتاب با عنوان «امنیت و پایان جنگ» بیش از سایر مباحث عمومی به مطالب درس روابط بین‌الملل نزدیک است.

درس‌های دیگر تخصصی‌تر هستند. فصل یازدهم کتاب با عنوان «سیاست‌گذاری امنیت ملی» بیشتر به مباحث امنیتی در روند سیاست‌گذاری خارجی می‌پردازد. فصل سوم با عنوان «امنیت فرادولتی» و فصل چهارم با عنوان «استفاده‌های غیرستی از نیروی نظامی» و فصل پنجم با عنوان «کاربرد قدرت نظامی در آینده» طیف کاملی از مناقشه‌های مسلحانه را مرور کرده و به ساختار قدرت و راهبرد قدرت تمرکز دارد. در صورت لزوم دو فصل یا هر سه فصل را می‌توان در حکم یک درس مستقل عرضه کرد.

فصل نهم با عنوان «اطلاعات و امنیت» به مبحث اطلاعات - هم به مثابه یک منبع سیاست‌گذاری و هم به مثابه ابزار سیاست غیرنظامی - می‌پردازد. فصل ششم با عنوان «اقتصاد و امنیت ملی» و فصل هفتم با عنوان «تخریب محیط زیست» تخصصی‌ترین مباحث و از جدیدترین موضوع‌ها در برنامه آموزشی مطالعات امنیتی است. گرچه در دهه گذشته در برخی از درس‌ها به برخی جنبه‌های اطلاعات و اقتصاد پرداخته می‌شد، اما متون و مفاهیم مربوط به این مباحث - آنچنان که باید و شاید - مثل سایر مباحث که به‌طور سنتی تدریس می‌شد توسعه پیدا نکرده است. امنیت زیست‌محیطی جدیدترین موضوع در مباحث امنیتی است. گرچه اکنون درسی کامل به این موضوع اختصاص دارد اما مبحث آن به گونه‌ای است که می‌تواند همچون موضوع دیگر مباحث درسی نیز تدریس شود.

مطالبی که در این کتاب آمده است هم شامل موضوع‌های سنتی مطالعات امنیتی می‌شود که به روش جدید عرضه می‌گردد و هم شامل موضوع‌های جدید در این رشته است. در عین حال محدودیت‌های زمانی و مالی مانع از آن بود که همه موضوع‌های ممکن مطرح شود. برای مثال در این کتاب به مبحث مهار تسلیحاتی در حکم درسی جداگانه پرداخته نشده است، هرچند که در فصول مختلف کتاب جنبه‌هایی از آن مطرح شده است. در این کتاب مبحثی در زمینه جنبه‌های داخلی یا حقوقی امنیت یا امنیت فراگیر، ایجاد صلح و حفظ صلح از طریق سازمان‌های بین‌المللی نیامده است، هر چند که در درس‌های مختلف کتاب به عناصری از این موضوع‌های مهم اشاره شده است.

افزون بر این، در این کتاب از روش‌های کمی در مطالعات امنیتی استفاده نشده است هرچند که در برنامه‌های مختلف آموزشی به این موضوع نیز توجه می‌شود. البته روش‌های کمی کاملاً متفاوت از درس آمار است که معمولاً در بسیاری از دانشکده‌های روابط بین‌الملل یا علوم سیاسی عرضه می‌شود. در این‌جا روش‌های کمی در پژوهش‌های عملیاتی، تحلیل کارایی هزینه‌ها و نمونه‌های ریاضی ساده در مورد آرایش عملیات رزمی است. موضوعات دیگری که همچون مباحث مستقل در این کتاب قابلیت طرح داشت عبارتند از فناوری نظامی جدید که می‌تواند به دانشجویان غیرفنی ویژگی‌ها و محدودیت‌های نظام‌های تسلیحاتی و فناوری تشکیل دهنده آن را آموزش دهد. از درس‌های مستقل می‌توان به مباحث امنیتی مناطق خاص - چون خاورمیانه، امریکای لاتین، جنوب آسیا یا آفریقا - و سیاست‌های دفاعی کشورهای بزرگ جهان - چون روسیه، چین، ژاپن، اسرائیل یا هند - اشاره کرد که می‌تواند مستقلاً یا به طور مقایسه‌ای یا از طریق الگوی امنیتی فراکشوری که در فصل سوم تشریح شده، مطرح شود.

مطالب تکمیلی فوق برنامه

در بسیاری از برنامه‌های درسی مطالعات امنیتی فعالیت‌های فوق درسی نیز در نظر گرفته می‌شود. از جمله این فعالیت‌ها حضور در سخنرانی‌ها، همایش‌ها یا کنفرانس‌هایی است که دانشگاه‌های دیگر یا نهادهای دولت آمریکا، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تنظیم می‌کنند و در آن شخصیت‌های علمی یا مقامات دولتی و بین‌المللی به سخنرانی می‌پردازند. برخی از مؤسسه‌ها یا دانشکده‌ها نیز گردش‌های علمی به مناطق رزمی تاریخی یا پایگاه‌های نظامی ترتیب می‌دهند. این‌گونه فعالیت‌ها می‌تواند برای دانشجویان بسیار مفید و سودمند باشد، زیرا نه تنها آنان را با تجهیزات نظامی و نظامیان آشنا می‌کند، بلکه دیدگاه دانشجویان را درباره موضوع‌های مربوط به درس‌های امنیتی تقویت می‌کند. افسران روابط عمومی در پایگاه‌های نظامی آمریکا معمولاً مشتاق‌اند که با گروه‌های دانشجویی روبه‌رو شوند و برای آنان بازدید و برنامه‌های آموزشی ترتیب دهند.

همانندسازی از نقش‌های دیگر ابزارهای آموزشی نیز ارزشمند است. از جمله همانندسازی‌های معمول عبارت از مذاکرات سیاسی - نظامی در قالب مدیریت بحران و مهار

تسلیمات است. برای ترتیب و تدارک تمرینات همانندسازی باید ابتدا یک داستان طراحی شود. این داستان می‌تواند نزدیک به واقعیت یا کاملاً ساختگی باشد. استادان یا خود دانشجویان می‌توانند در تنظیم داستان کمک کنند. در همانندسازی، دانشجویان به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند و هریک نمایندگی بازیگران مختلف را بر عهده می‌گیرند و اغلب نقش‌های خاصی اجرا می‌کنند؛ مثلاً نقش رئیس‌جمهور یا وزیر دفاع یک کشور خاص. همانندسازی‌ها در فراگیری مطالب آموزشی نقش فراوان دارد. دانشجویان از طریق همانندسازی نه تنها با موضوع‌های درسی، بلکه با روند مذاکره و تصمیم‌سازی آشنا می‌شوند. این همانندسازی‌ها برای درگیر کردن دانشجویان و توجه دادن ذهن آنان به مطالب درسی بسیار مؤثر است.

ایده‌ها و مطالب و تفسیرهای مندرج در این کتاب با این هدف تنظیم شده است که همچون مرجعی برای طرح مطالب مربوط به سیاست امنیتی معاصر در یک دوره عمده انتقالی به کار برود. جلد دوم کتاب توجه خاصی به این دوره انتقالی دارد. نویسندگان کتاب از هرگونه نظری برای رفع نواقص کتاب و برنامه‌های دوسی مندرج در آن استقبال می‌کنند. بدیهی است که این نظریات امکان لحاظ شدن در جلدهای آتی کتاب را نیز دارد.